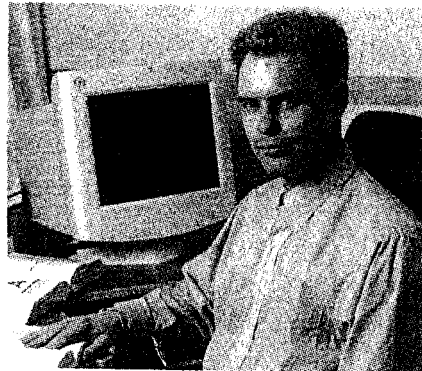




هویت بخشی به اطلاعات برای ارائه به کاربران در سطوح گوناگون معرفت شناختی



نوشته: دکتر حجت الله حسن لاریجانی

مقدمه

ذخیره‌سازی اطلاعات، هویت بخشیدن به اطلاعات است که باید مبتنی بر سطوح معرفت شناختی کاربران انجام گیرد. اطلاعات به صورت داده خام، اطلاعات پالایش یافته، و اطلاعات در جریان تحقیق در اختیار کاربران قرار می‌گیرد، و در فرآیند تحقیق به صورت اطلاعات نو در می‌آید که به اتکای اطلاعات پیشین ساخته می‌شود و ساختار آن متفاوت از ساختار اطلاعات وارد شده است. تحقیق از جهت و رویه‌های اطلاعاتی، رسیدن به اطلاعات جدیدی است که به صورت داده‌های خام در فرآیندهای تحقیقی دیگر وارد می‌شود. این گونه رفت، بازگشت و حالات باز خوردی اطلاعات است که ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات را به عنوان بخشی از نظام کلان تحقیق مطرح می‌سازد.

شرایط و محیط ارائه و معرفی اطلاعات، در واقع حوزه‌های اشاعه و انتقال اطلاعات را روشن می‌کند. این امر به بازگشت و رجعت اطلاعات از طریق روش یا نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات باز می‌گردد که معرفت‌کارایی بالای اطلاعات پالایش شده، و اطلاعات متراکم شده است. در شکل ساده،

اطلاعات از طریق داده‌های ساده و غیر ترکیبی قابل اندازه‌گیری است و در جریان و پویای تحول داده‌هاست که اطلاعات تحول و تکامل یافته، و امکان خلق روش‌ها، شیوه‌ها، و رویه‌های عقلانی را در امور پژوهشی، و در تحقیقات علمی و فن‌آورانه مطرح می‌سازد. این حوزه نو از ارائه اطلاعات با ترکیب داده‌ها در طرح‌های پژوهشی، نوعی آزمون داده‌ها در فرآیند پژوهش است که نتایج این پویا نیز به صورت اطلاعات در فرآیندهای تحقیقات دیگر بکار گرفته می‌شود: (۱) صحت داده‌های وارد شده در پژوهش، و تعیین اعتبار هر یک از اقلام داده‌ای؛ (۲) تبدیل داده‌ها به نوعی اطلاعات قابل استفاده در عمل و اجرا، و پیدایش افق جدیدی برای بکار گرفتن اطلاعات به عنوان داده در تحقیقات نو؛ (۳) تعیین حالت باز خوردی اطلاعات و نگرش داده‌ای به آنها برای تنظیم و تعیین محدوده‌های تازه خلق اطلاعات.

در واقع، تبیین داده - اطلاعات مبین نقطه آغاز حرکت تحقیق است و یا آغاز تحقیق برای رسیدن به اطلاعات است که از طریق تحلیل‌های داده‌های ذخیره شده یا دوره‌هایی از مجموعه‌های اطلاعات که قابل ارائه در مراحل اجرایی است،



شناخته می‌شود. حوزه‌های تحقیق معرف حالات معرفت شناختی کاربران اطلاعات است یعنی این معرفت کاربران است که اطلاعات را جذب می‌کند و امر بازیابی را عقلانی و خردمندانه می‌سازد. آن سوی ذخیره‌سازی اطلاعات یعنی بازیابی، به امر ذخیره‌سازی اطلاعات معنای دسترس و رسایی و روایی می‌بخشد تا بتوان به اطلاعات مورد استفاده پد داده‌های بکار گرفته شده در تحقیق هویت بخشید: در واقع همه نظام‌های ذخیره‌سازی یا بازیابی اطلاعات زمینه ذخیره از طریق هویت بخشیدن به اطلاعات را فراهم می‌آورند، و اهداف ناظر بر آنها نیز در جهت همین هویت بخشی اطلاعات است تا بازیابی آنها به وسیله کاربران که در سطوح مختلف معرفت‌شناختی هستند، فراهم شود، که خود از طریق سؤال کاربران تعیین، و در درجات و سطوح کاربری در حوزه‌های ذخیره‌سازی اطلاعات (و داده‌ها) وارد می‌شود، و پاسخ‌ها نیز متناسب با سطوح و درجات معرفت شناختی کاربران به آنها ارائه می‌شود که نیازهای اطلاعاتی را نیز تعیین و در عین حال تثبیت می‌کند.

از این رو، ذخیره اطلاعات به نوعی از صافی گذراندن اطلاعات و یا به زبان قبل از تحقیق (که با زبان بعد از تحقیق متفاوت است) تعیین حوزه‌های تثبیتی اطلاعات، یا انطباق کامل اطلاعات ارائه شده با نیازهای اصلی و اساسی و بنیادی کاربران (محققان) است. این امر با حوزه فکری کاربران (محققان) در تعیین فرضیه‌های آنها مربوط می‌شود نه به منابع اطلاعاتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند و یا منابع اطلاعاتی که از زاویه دید کتابداران و اطلاع‌رسانان فهرست‌نویسی، رده‌بندی و آماده‌سازی می‌شوند. روش‌های رسمی کار پستی در کتابداری به اتکای روش‌های تحلیلی اطلاعات یا متون اطلاعاتی است، و به محدوده‌های معرفت شناختی کاربران بر نمی‌گردد، مگر آنکه متناسب با نیازهای کاربران - از طریق سؤال کاربر - حجم اطلاعات مفروض از صافی‌های متناسب بگذرد، این امر خود نیازمند طی فرآیند تحقیق، و آزمون‌های تجربی و برآوردهای نزدیک به واقع امور است.

در واقع هر سندی، یک‌بار از سوی خالق آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و محدوده معرفت شناختی آن تعیین می‌شود. بار دوم از سوی کتابدار مورد ارزیابی محتوایی قرار می‌گیرد تا

امکان ذخیره‌سازی اطلاعات به جهت هویت بخشی در مجموعه اطلاعات نگهداری شده (۱)، فراهم آید. بار سوم در طیف‌های نسبتاً وسیعی از گستره محیطی اطلاعات وارد می‌شود که به استفاده کاربران از اطلاعات مربوط می‌شود. از این رو نظام اطلاعاتی در سه حوزه معنی پیدا می‌کند یا در سه حوزه متفرق شده است: حوزه (۱) از محدوده نظم اطلاع‌رسانی خارج است و به حوزه فکری مؤلف، مصنف و نویسنده (برای همه مواد اطلاعاتی) باز می‌گردد، و دخل و تصرف در آن برای هیچ عنصر اجتماعی قابل تصور نیست، و به واقع هر گونه دخل و تصرفی از حیثه فکری مؤلف اصلی خارج به حیثه فکری دیگری انتقال می‌یابد که در مجموع دستگاه فکری دیگری خواهد بود که همان مؤلف، نویسنده و مصنف است. حوزه (۲) برای امر ذخیره‌سازی براساس هویت بخشی به اطلاعات است که اگر جنبه‌های عقلانی ذخیره‌سازی اطلاعات در آن لحاظ نشود، به رسایی اطلاعات صدمه می‌زند، و جریان اطلاعات را ناممکن می‌سازد، از این رو کتابدار و اطلاع‌رسان در کنار مؤلف قرار می‌گیرد تا ذخیره‌سازی اطلاعات انجام گیرد. حوزه (۳) سطح معرفت شناختی کاربران است که خود نویسنده، مؤلف و مصنف بالقوه‌اند که با طرح سؤال متناسب از اطلاعات (داده‌ها) در تحقیق سود می‌برند. در اینجا لازم است به نوعی انگاره یا الگوی اشاره شود که از دو سو باید واحد باشد: اول انگاره یا الگوی محقق؛ دوم انگاره یا الگوی اطلاع‌رسان که از طریق قانون منطق با تفسیر فلسفی‌اش با قبول اصل این همانی، و آن همینی یک الگو یا انگاره واحد محسوب می‌شود، که تنها در انگاره و الگوی کاربر وجه فرض استفاده از اطلاعات (داده) نیز وجود دارد.

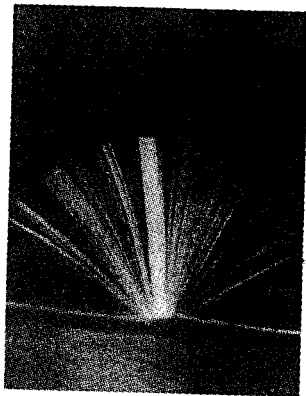
در این مقطع، همه فعالیت‌های مربوط به گردآوری اطلاعات، چه از سوی محقق، و چه از سوی اطلاع‌رسان، و حتی کاربران ساده اطلاعات، براساس احتمالات عمل می‌شود، و از شیوه‌های تجربی و محاسبه کاربری اطلاعات خبری نیست، در واقع هر نوع اطلاعات توزیع شده، صرفاً براساس برآوردهای کاملاً متکی بر احتمال مورد بازیابی قرار می‌گیرد و در حد استفاده از آنهاست، ولی مصرف اطلاعات اندازه‌گیری نشده است. در این حالت محقق و اطلاع‌رسان هر



گرچه ساختار پروژه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی نیز در کاربری اطلاعات مؤثر است، ولی آنچه از زاویه دیدگاهی اطلاع‌رسانی، بویژه عملیات ذخیره‌سازی اطلاعات، اهمیت دارد، ورود اطلاعات در زمان مناسب، مکان مناسب، با حجم صحیح و درست (قابل اندازه‌گیری) به فرآیند تحقیق است. (۳) در مجموع خشنود کردن محقق است که از طریق کسب اطلاعات و کاربرد آن به تحقیق و فرآیندهای مربوطه معنی داده، و ساختمان نویی را از شالوده به وجود می‌آورد، و چنین بنایی نباید قبل از مصرف، فرو ریزد. اطلاعات در قالب زبان طبیعی و آماده‌سازی از طریق آن به نظام‌های ذخیره‌سازی وارد می‌شوند، و از طریق نظامی واحد بازیابی می‌شود. در واقع نظام‌های گوناگون ذخیره‌سازی (۴) از طریق هویت بخشیدن به اطلاعات نظم واحدی را در بازیابی برای کاربران خلق می‌کند: "به طور کلی به جهت مسائلی مثل کمی وقت، حجم زیاد اطلاعات، تحول در تخصصی شدن علوم، به وجود آمدن نیازهای اطلاعاتی جدید، دگرگونی در اهمیت منابع اطلاعاتی، کافی نبودن روش‌های قراردادی رده‌بندی و سرعنوان‌های موضوعی برای تجزیه و تحلیل مواد غیرکتابی، در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات تحولاتی به وجود آمده که فعالیت نمایه‌سازی از جمله مهمترین آنهاست." (۵)

در جای دیگری، نویسنده‌ای دیگر به گونه‌ای دیگر می‌گوید:

"... چکیده انتخاب را تسهیل می‌کند؛ یعنی به خواننده کمک می‌کند درباره متن معینی تصمیم بگیرد که آیا مورد علاقه او هست یا خیر؟ بدین ترتیب، در وقت خواننده صرفه‌جویی می‌شود، مثلاً خواننده را از فراهم آوردن مقالاتی که مورد علاقه او نیست، برکنار می‌دارد."



یک از سویی کاربران اطلاعات هستند، و از سوی دیگر واسط انتقال اطلاعات و هیچ یک از کاربران اطلاعات، از جهت مصرف حجم اطلاعات مورد محاسبه قرار نمی‌گیرند. کتابدار و اطلاع‌رسان در این شرایط به حوزه کاربری اطلاعات وارد می‌شوند و نقش هادی اطلاعات را بازی می‌کنند و در انتهای پویش تحقیق حجم وسیعی از اطلاعات را باز پس گرفته و در چرخه انتقال اطلاعات وارد می‌کنند که در این مرحله نیز ورود اطلاعات به چرخه‌های انتقال اطلاعات براساس احتمالات صورت می‌گیرد. بخشی از اطلاعات مندرج در منابع، مدارک و اسناد از طریق ارزش‌گذاری و عملیات چکیده‌نویسی (۲) و نمایه‌سازی و دیگر عملیات ذخیره‌سازی در حوزه کتابداری، براساس نیازهای مخاطبین قابلیت انتقال می‌یابند و از مجاری باریکی وارد فرآیند تحقیق می‌شوند.

درک و فهم ضرایب اساسی در عملیات ذخیره‌سازی برای محققین، و درک و فهم کاربری اطلاعات در متن تحقیق از سوی ذخیره‌کنندگان اطلاعات الزامی است. در واقع این ارتباط روابط منطقی بین سؤال (کاربر) و سند (اطلاعات - داده) را روشن می‌سازد. این روابط در آن نقطه‌ای از فرآیند تحقیق به وضوح دیده می‌شود که بتوان حاصل و نتایج تحقیق را به صورت اطلاعات (نو) دریافت و از طریق باز خورد به فرآیندهای نو تحقیقی وارد ساخت که به مجموعه‌ای از محاسبات، برآوردها و اندازه‌گیری‌های اطلاعات اتکاء دارد:

۱. اطلاعات استخراج شده از اسناد، تا چه حد مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرد؟
۲. آیا اثراتی از اطلاعات وارد شده به فرآیند تحقیق در بازده تحقیق دیده می‌شود؟
۳. روش‌های کاربری اطلاعات متناسب با اطلاعات هستند، یعنی روش‌های تحقیق ظرف‌های مناسبی برای جای‌گیری اطلاعات هستند؟
۴. آیا به سؤال‌های محقق براساس نیازهای او پاسخ داده شده است؟ یا اطلاعات در چارچوب‌های بینشی ذخیره‌کنندگان اطلاعات آماده‌سازی شده است؟
۵. آیا اطلاعات (بازده تحقیق) در اجرا قابلیت بهره‌وری را بالا می‌برد؟ یا از طریق اطلاعات پیشین پاسخ لازم گرفته می‌شود و همان اطلاعات امکان اجرایی دارد؟



منابع

1. LOSBE, ROBERT M. **TEXT RETRIEVAL AND FILTERING: ANALYTIC MODELS OF PERFORMANCE**. BOSTON: KLUWER ACADEMIC PUBLISHERS, 1948.

۲. فاگمن، پیتز. تحلیل موضوعی و نمایه‌سازی: مبانی نظری و توصیه‌های علمی. ترجمه علی مزینانی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.

۳. ایمیوون، نیکلاس. مدیریت اطلاعات برای پروژه‌های توسعه روستایی. مترجمان: محمد هومن، کوروس صدیقی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۳.

۴. آفا بخشی، علی. نمایه‌سازی همارا. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۲.

۵. همانجا (مقدمه)

۶. لنکستر، اف. دبلیو. "انواع چکیده و کارکردهای آن" ترجمه علی شاه‌شجاعی. اطلاع‌رسانی. دوره ۱۳، شماره ۳ و ۴ (بهار و تابستان ۱۳۷۷)، ۵۹-۶۷.

"سرانجام این که چکیده، با تسهیل در تشخیص متون مربوطه و تأمین دسترسی به متون ذخیره شده، در حال حاضر نقش مهمی در نظام‌های بازیابی مبتنی بر رایانه ایفا می‌کنند." (۶)

از این رو، روابط ملموس، زنده و مستقیم بین نظام‌های ذخیره‌سازی و نظام‌های بازیابی برقرار می‌شود، ولی هدف، کاربران هستند که در ذهن خود نظام واحدی را برای استخراج اطلاعات می‌شناسند که همان زبان طبیعی است. در واقع این زبان طبیعی است که نشان می‌دهد چگونه به حجم اطلاعات جامعه افزوده می‌شود و اطلاعات فراهم آمده و بهم تنیده و فزاینده به مراحل اجرایی وارد شده و امکان ارزیابی کار بستی اطلاعات را بدست می‌دهند.

